

# الْجَمْعُ مُرْعَاهَا عَرِيب وَعَرِيب

نوشته: کلی جونز | تصویرگر: کیتی کت  
ترجمه: عطیه الحسینی

# مزرعه‌ی پرنده‌ی سیاه

۲ ژوئن ۲۰۱۴

به: خانم یا آقای کاتالوگی، تهیه و توزیع ردوود  
نشانی: کالیفرنیا، گراونستاین

آدم‌های عزیزی که برای اهالی مزارع کاتالوگ می‌فرستید.

عمو جیم<sup>۱</sup> بزرگ برگه‌ی تبلیغ شما را در انبار علوفه‌اش داشت و چون چند ماهی می‌شود که مُرده، نمی‌توانم درباره‌ی آن از او سؤال کنم. ما الان در مزرعه‌ی او زندگی می‌کنیم. فکر می‌کنم حالا که قرار است توی یک مزرعه زندگی کنیم، باید آن را کمی جذاب‌تر کنیم؛ مثلاً مرغ و اردک و شاید هم چندتایی طاووس داشته باشیم. الان ما حتی گوجه هم نداریم، فقط تا دلتان بخواهد گرت‌گرت درخت مو داریم که تازه هنوز انگور هم ندارند.

نتوانستم آدرس سایتتان را پیدا کنم، برای همین مامانم گفت که باید یک نامه‌ی رسمی برای شما بنویسم و در آن کاتالوگ درخواست کنم. در برگه‌ی تبلیغتان گفته شده که شما برای مزرعه‌های استثنایی، مرغ‌های خاصی دارید. من نمی‌دانم که چه چیزی ممکن است یک مرغ را غیرعادی یا خاص کند؛ برای همین شاید وقتی شما کاتالوگ را برایم بفرستید، بفهمم و دیگر به آن فکر نکنم. فکر می‌کنم شما باید بدانید که من یک دختر دوازده ساله‌ی خیلی مسئولیت‌پذیر هستم. موقع اسباب‌کشی خودم تمام وسایلم را جمع کردم و بعد آن‌ها را سر جایشان چیدم. تازه، مزرعه‌دار خوبی هم می‌شوم، چون همیشه در